نمودار سیر تاریخ نقاشی غرب از نیمه دو

۱۸۶۰ م

۱۸۶۶ م — رئالیسم — ادوارد مانه

۱۸۷۴ م — امپرسیونیسم — کلود مونه

۱۸۸۴ م — پست امپرسیونیسم — جورج سورا

۱۸۸۵ م — سمبولیسم

۱۸۸۹ م — پست امپرسیونیسم — وان گوگ

سمبولیسم — پل گوگن

۱۸۹۸ م — پست امپرسیونیسم — پل سزان

گوستاو کِلیمت

۱۹۱۵ م — اکسپرسیونیسم — ادوارد مونش

فوویسم — هانری ماتیس

۱۹۰۷ م — کوبیسم — پیکاسو

آلفرد سیسلی

م سده‌ی نوزدهم تا اواخر سده‌ی بیستم میلادی

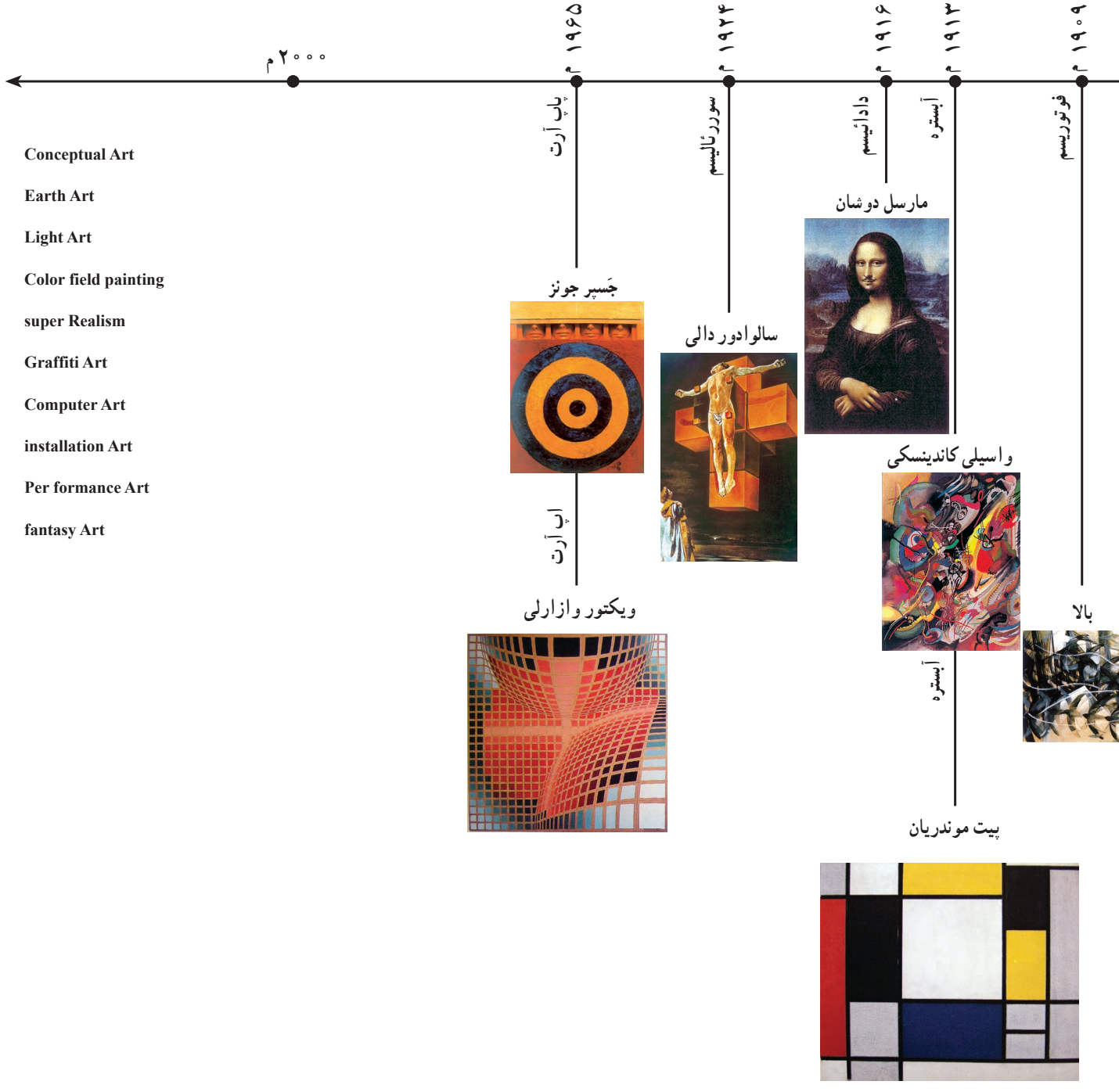

فصل ششم

مکاتب نقاشی غرب از نیمه‌ی دوم سده‌ی نوزدهم تا اواخر سده‌ی بیستم میلادی

اهداف رفتاری: در پایان این فصل هنرجو باید بتواند :

- اهمیت جنبش‌های هنری قرن بیستم را بیان نماید.
- دلایل ظهور مکاتب گوناگون را در دنیای مدرن توضیح دهد.
- خصوصیات هر مکتب را توضیح دهد واز طریق تصاویر معرفی کند.
- ویژگی‌های هر مکتب را در مقایسه با مکاتب قبلی و بعدی توضیح دهد.
- هنرمندان را بر مبنای آثارشان در مکتب موردنظر دسته‌بندی کند.

امپرسیونیسم[1]

جنبش امپرسیونیسم در حقیقت طی سال‌های ۱۸۶۰ م. از شیوه‌ی رئالیسم زاده شد. در این دوران نقاشان جوان‌تر رئالیست که در جریان تحولات علمی دوران خود قرار گرفتند و بیش‌تر میل به بدعت داشتند، مانند ادوارد مانه[2] (۸۳ـ۱۸۳۲)، ادگاردگا[3] (۱۹۱۷ـ۱۸۳۴) و پیرآگوست رنوار[4] (۱۹۱۹ـ۱۸۴۱) با انتخاب موضوعاتی که پیش از آن کم‌تر سابقه داشت، از قبیل صحنه‌های پیک‌نیک، اجتماعات داخل کافه‌ها و قایق‌رانان و نیز نقاشی در فضای باز زمینه‌های اولیه‌ی این جنبش نوین را در نقاشی فراهم آورند.

در این میان ادوارد مانه تئوری اولیه‌ی امپرسیونیسم را مطرح نمود. (تصاویر ۱ـ۶ و ۲ـ۶) در همین ایام برقراری نمایشگاه مردودان[5] در پاریس به سال ۱۸۶۳ م. زمینه‌ی آشنایی دیگر نقاشان جوان و جست‌وجوگر ـ کلود مونه[6] (۱۹۲۶ ـ ۱۸۴۰) کامیل پیسارو[7] (۱۹۰۳ ـ ۱۸۳۰)، آلفرد سیسلی[8] (۹۹ـ۱۸۳۹)، و پل سزان[9] (۱۹۰۶ـ۱۸۳۹) ـ را با تئوری مانه فراهم آورد. بدین ترتیب آن‌ها نیز مجذوب ایده‌ی نور و رنگ گردیده و به گرد ایشان درآمدند ؛ از هم‌فکری، همکاری و پژوهش‌های افراد این گروه شیوه‌ی امپرسیونیسم تحقق یافت.

۱ـ Impressionism

۲ـ Edouard Manet

۳ـ Edgar Dega

۴ـ Pierre - Auguste Renoir

۵ـ در سال ۱۸۶۳ به فرمان ناپلئون سوم نمایشگاهی به نام «نمایشگاه مردودان» در پاریس گشوده شد یکی از نقاشی‌های کلود مونه (امپرسیون : طلوع آفتاب) بهانه‌ای شد تا یک روزنامه‌نگار آنان را به مسخره، امپرسیونیست بخواند. این عنوان از سوی اعضای گروه پذیرفته شد.

۶ـ Claude Monet

۷ـ Camille Pissaro

۸ـ Alfred Sisly

۹ـ Paul Ce´zzanne

تصویر ۱ــ۶ــ ادوارد مانه، مانه مشغول کار در قایق خود، سال ۱۸۷۴ م، رنگ و روغن روی بوم، ۱۰۵ . ۸۲ سانتی متر، موزه‌ی جدید پیناکوتک، مونیخ

تصویر ۲ــ۶ــ ادوارد مانه، نی‌لبک‌زن؛ ۱۸۶۶م رنگ روغن روی بوم، ۱۹/۵ . ۱۵۷/۵ سانتی‌متر موزه‌ی لوور، پاریس

در سال ۱۸۷۴ میلادی نقاشان منظره‌پرداز جوان پیرو مانه به همراه کلودمونه نمایشگاهی را در آتلیه عکاسی نادار[1] (۱۹۱۰ــ۱۸۲۴) بر پا کردند. در این نمایشگاه یکی از تابلوهای مونه با عنوان «امپرسیون : طلوع آفتاب» به نمایش درآمد این تابلو بندرگاهی در مه رقیق صبحگاهی را نشان می‌دهد. (تصویر ۳ــ۶) اگر چه امپرسیونیست‌ها نیز هم‌چون رئالیست‌ها ضبط واقعیت بیرونی را سرلوحه کار خود قرار داده بودند، اما به دنبال ارائه‌ی شیوه‌ای نوین بودند.

تصویر ۳ــ۶ــ کلود مونه، امپرسیون؛ طلوع خورشید ۱۸۷۲ رنگ روغن روی بوم، ۶۵ . ۴۹ سانتی‌متر، موزه‌ی مارموتان، پاریس

«شیوه‌ی نقاشان رئالیست انعکاس واقعی صحنه‌های طبیعی نبوده، بلکه تصویری ثانوی و بازسازی شده از موضوع نقاشی است، در حالی که دنیای اطراف ما به واسطه‌ی تغییر نور خورشید دائماً در حال تغییر است»، پس خود را ملزم به ضبط آنی لحظات زودگذر نور و رنگ دانستند و بر سرعت کار خود در ثبت لحظه‌ها افزودند ؛ نتیجه آن که بر خلاف نقاشان شیوه‌های کلاسیک توازن و تعادل خطوط و رنگ‌ها در جهت بیان موضوع در ترکیب‌بندی را پشت‌سر گذاشتند و بدین ترتیب یکی از جنبه‌های مهم تفکر مدرن را صورت بخشیدند. دراین راه کشف مهم نقاشان امپرسیونیست در مورد به‌کارگیری رنگ‌های خالص و امکانات نامحدود رنگ‌های مکمل و نیز حذف رنگ مشکی ازتخته رنگ، به همراه تجربیات کار در فضای باز و در تماس با طبیعت در جهت ثبت و دریافت آنی نور و رنگ، زمینه‌ی تحول نقاشی را فراهم آورد (تصویر ۴ــ۶).

۱ــ Gaspard - Felix Nadar عکاس فرانسوی

تصویر ۴ــ۶ــ کلود مونه، پل آرژانتوی؛ ۱۸۷۴ م رنگ و روغن روی بوم

نقاشان امپرسیونیست همه در اصولی که گفته شد اتفاق‌نظر داشتند، امّا بعضی از آن‌ها مانند مونه، پیسارو (تصویر ۵ــ۶) و خانم برت موریسو[۱] (تصویر ۶ــ۶) و سیسلی (تصویر ۷ــ۶) درنوع نگاه و اسلوب نیز مشترک بودند، در حالی که تنی چند از این گروه به شیوه‌های مستقل‌تر و فردی مشهورند، مانند مانه، رنوار و دگا (تصاویر ۸ــ۶، ۹ــ۶ و ۱۰ــ۶). ایشان علاوه بر توجه به ثبت آنی جلوه‌های نور، از اهمیت «فرم» و ترکیب‌بندی تابلو نیز غافل نماندند.

اصولی که نقاشان امپرسیونیست به آن‌ها اعتقاد داشتند عبارت‌اند از :

۱ــ خارج شدن از آتلیه و نقاشی از مناظر در فضای باز

۲ــ نمایش آنی رنگ براساس
- ــ تغییرات نور
- ــ انعکاس رنگ‌ها بر همدیگر
- ــ تأثیر جو

۳ــ نقاشی از یک منظره در ساعات مختلف (به منظور بررسی تغییرات نور و رنگ)

۴ــ حذف رنگ‌های تیره از سایه‌ها و استفاده از رنگ‌های مکمل

۵ــ استفاده‌ی بیش‌تر از تکنیک آلاپریما[۲]

۱ــ Berthe Morisot (۱۸۴۱ــ۹۵)

۲ــ آلاپریما رنگ‌گذاری یکباره بر روی بوم است با روش‌های رنگ‌گذاری به طریق ضربه‌ی قلم یا با استفاده از کاردک، انگشتان دست و اسلوب‌های نظیر آن که موجب تأکید به جلوه‌های بافت و برجستگی در سطح پرده نقاشی می‌شوند.

تصویر ۵ــ۶ــ کامیل پیسارو، میدان تئاتر فرانسه ۱۸۹۸،م رنگ و روغن روی بوم ۷۲ . ۹۲ سانتی متر موزه‌ی هنری لوس‌آنجلس

تصویر ۶ــ۶ــ برت موریسو، گهواره، ۱۸۷۲ میلادی، رنگ و روغن روی بوم، ۴۶ . ۵۶ سانتی‌متر، موزه‌ی اورسی پاریس

تصویر ۷ــ۶ــ آلفردسیسلی، منظره‌ی برفی، ۱۸۷۸ میلادی ــ رنگ و روغن روی بوم، ۵۰ . ۶۱ سانتی‌متر، موزه‌ی اورسی پاریس

تصویر ۸ــ۶ــ اگوست رنوار، قایق‌رانان؛ رنگ روغن روی بوم، ۱۸۸۱ م.

تصویر ۹ــ۶ــ هنری ادگاردگا و برادرزاده‌اش لوسی، سال ۱۸۷۶ میلادی رنگ و روغن روی بوم، ۱۲۰ . ۱۰۰ سانتی‌متر، مؤسسه‌ی هنر شیکاگو

پست امپرسیونیسم[۱]

همان طور که سال‌های آخر سده‌ی نوزدهم یادآور تحولات عمده در زمینه‌ی علوم و تکنولوژی و هم‌چنین مناسبات اجتماعی و اقتصادی شده، در زمینه‌ی هنر نیز یادآور تلاش هنرمندان در جهت جست‌وجوی راه‌های نو شده است.

از دهه‌ی ۱۸۸۰ م.، هنرمندانی که پیش از این مجذوب تئوری امپرسیونیسم شده و از آن الهام گرفته بودند، به تدریج به شیوه‌های فردی‌تر گراییدند. مهم‌ترین اینان عبارت بودند از : جورج سورا[۲] (۹۱ــ۱۸۵۹) ؛ پل سزان، (۱۹۰۶ــ۱۸۳۹) پل گوگن[۳] (۱۹۰۳ــ ۱۸۴۸) و وینسنت وان گوگ[۴] (۹۰ــ۱۸۵۳).

هنر وآثار این هنرمندان که به شیوه‌های کاملاً متفاوت از یک‌دیگر مشخص‌اند، با عنوان کلی‌تر «پست امپرسیونیسم» خوانده می‌شود ؛ چرا که به عنوان مقدمه و آغازگر مکاتب نوین سده‌ی بیستم، ارزیابی و مطرح می‌شوند. حال به شرح مختصری درباره‌ی شیوه‌ی هر یک از هنرمندان نام برده می‌پردازیم :

جورج سورا: او فقط سی و دو سال عمر کرد. وی در متحول ساختن هنر نوین تأثیری عمده داشت. او دارای ذهنی جست‌وجوگر و منطقی بود. از این‌رو تجربیات و پژوهش‌های علمی زمانه‌ی خود را به دقت دنبال می‌کرد. بدین ترتیب در جریان دستاوردهای علومی، چون فیزیولوژی بینایی انسان و فیزیک نور قرار گرفت وشیوه‌ی اختصاصی خود را به نام «تجزیه‌گری رنگ»[۵] یا «نقطه‌پردازی»[۶] بنیاد نهاد.

۱ــ Post Impressionism یا Neo Impressionism به معنای پَسا امپرسیونیسم

۲ــ George Seurat ۳ــ Paul Gauguin ۴ــ Vincent Van Gogh

۵ــ Divisionrsm ۶ــ Pointillism

در این شیوه نقطه‌های کوچک و خالص رنگ به‌طور مستقیم (و بدون ترکیب بر روی تخته شاسی) توسط نوک قلم مو بر روی بوم منتقل می‌شد. در نتیجه رنگ‌های ترکیبی در فاصله‌ای مناسب در چشم بیننده نقش می‌بست. از جمله برای نشان دادن رنگ سبز، نقطه‌های رنگی آبی و زرد در کنار هم بر روی بوم نشانده می‌شوند.

امّا اعتبار سورا تنها در شیوه‌ی رنگ‌آمیزی او نیست بلکه آگاهی از اهمیت فرم و اعتدال در ترکیب‌بندی، به آثار او ارزشی ویژه بخشیده است (تصویر ۱۰ــ۶).

تصویر ۱۰ــ۶ــ جورج سورا، بعدازظهر یکشنبه در پارک گراندژات ۸۶ــ۱۸۸۴ میلادی رنگ و روغن روی بوم، ۳۰۰ . ۲۶۳ سانتی‌متر، مؤسسه‌ی هنر شیکاگو. (به اندازه تابلو با توجه به اِشل انسانی (حدوداً ۱۸۰ سانتی‌متر) توجه نمائید.)

پل سینیاک[1] (۱۹۳۵ــ۱۸۶۳): او دوست سورا و هنرمند به نام شیوه‌ی نقطه‌پردازی است و در انتظام علمی این شیوه نقش مهمی دارد.

پُل سزان: سزان نخست با نقاشان امپرسیونیست همراه بود، امّا اعتقاد او به ضرورت استحکام در ترکیب‌بندی، او را از جرگه‌ی امپرسیونیست‌ها خارج کرد.

سزان برخلاف امپرسیونیست‌ها، که در پی جلوه‌های رنگ و نور بودند، شکل پایدار و اساسی اشیا را جست‌وجو می‌کرد. بدین منظور به خلاصه‌سازی اشیا و اشکال پرداخت. تا جایی که معتقد شد بنیان همه‌ی اشکال بر مکعب، کره و مخروط استوار است. آثار سزان نمایانگر استواری و تعادل معمار گونه‌ای است که خود به ظهور سبک کوبیسم[2] در نیمه‌ی نخست سده‌ی بیستم منجر شد (تصویر ۱۱ــ۶).

۱ــ Paul Signac

۲ــ Cubism

تصویر ۱۱ــ۶ــ پل سزان، نقش اشیاء حدود سال ۱۸۷۹ــ۱۸۸۲ میلادی رنگ و روغن روی بوم ۵۵ . ۴۶ سانتی‌متر، کلکسیون خصوصی

پُل گوگن: گوگن توجه خاصی به نقاشی‌های خاور دور و خاور نزدیک داشت. شیوه‌ی شخصی او مبتنی برنمایش رنگ‌ها، بدون توجه به رنگ طبیعی اشیاء بود. هم‌چنین جهت تأثیرگذاری بیش‌تر موضوع در طرح اغراق می‌کرد. آثار او با رنگ‌های درخشان و طرح‌های آزاد و سیال، نمایانگر دنیایی سمبولیک در زمینه‌ای تزئینی است. آثار او الهام‌بخش بسیاری از هنرمندان بعد از خود شد.

گروه سمبولیست‌ها[1] و فوویست‌ها[2] هر یک به نوعی از آثار او الهام گرفتند. فوویست‌ها شیوه‌ی رنگ‌آمیزی او را راهنمای خود قرار دادند و سمبولیست‌ها جنبه‌ی نمادگرایی طرح و رنگ او را مهم شمردند (تصویر ۱۲ــ۶).

تصویر ۱۲ــ۶ــ پل گوگن، چهره‌ی نقاش؛ رنگ و روغن روی چوب، ۱۸۸۸ م. موزه‌ی وان گوگ، آمستردام

۱ــ Symbolists نمادگرایی جنبشی در ادبیات و هنرهای بصری که باور داشتند تجسم عینی کمال مطلوب در هنر نیست. بلکه انگارها را به مدد نمادها القا کرد. بر این اساس آن‌ها عینیت را مردود شمردند و به ذهنیت تأکید کردند.

۲ــ faurism به معنی دَدگری یا وحشی‌گری

وینسنت وان گوگ: وان گوگ هنرمند حساس و پرشوری که در سطح وسیع الهام بخش هنرمندان قرن بیستم بود. ابتدا به شیوه‌ی امپرسیونیسم نقاشی می‌کرد. اما به دلیل حساسیت فوق‌العاده‌اش نسبت به رنگ و ضربات پرشور قلم‌مو، که در جهت معنا بخشیدن به رنگ و بیان موضوع به کار می‌گرفت، از امپرسیونیست‌ها پیشی گرفت و زمینه‌ی ظهور سبک اکسپرسیونیسم را در سده‌ی بیستم فراهم آورد.

پرده‌های او بیش‌تر شامل مناظر گندم‌زارها، سروهای بی‌تاب، گل‌های آفتاب‌گردان ...، پرتره‌ها و طبیعت بی‌جان است. (تصاویر ۱۳ــ۶ و ۱۴ــ۶).

تصویر ۱۳ــ۶ــ وینسنت وان گوگ، گندمزار و درختان سرو، سال ۱۸۸۹ میلادی رنگ و روغن روی بوم ۹۰ . ۷۲ سانتی‌متر، گالری ملی لندن

تصویر ۱۴ــ۶ــ وینسنت وان گوگ، اتاق نقاش در آزل؛سال ۱۸۸۹م، رنگ و روغن روی بوم ۷۴ . ۵۷/۵ سانتی‌متر، موزه‌ی اورسی، پاریس

تولوز لوترک[1] **(۱۹۰۱ــ۱۸۶۴):** یکی‌دیگر از هنرمندان متأثر از امپرسیونیسم امّا مستقل و اثرگذار در آن دوران بود آثار او به واسطه‌ی هماهنگی در به‌کارگیری سطح، رنگ و خط در ترکیب‌بندی راه‌گشای هنر گرافیک نوین شد (تصویر ۱۵ــ۶ و ۱۶ــ۶).

به‌طور خلاصه پست امپرسیونیسم شامل گرایش‌های زیر است :

۱ــ بازگشت به وحدت ترکیب‌بندی در تصویر (مانند آثار سورا و سزان)

۲ــ تأکید بر ساماندهی عناصر درسطح تصویر، در جهت وحدت تصویر و بیان معنا (مانند آثار گوگن و سمبولیست‌ها و نبی‌ها)

۳ــ توجه کمابیش آگاهانه به اغراق در نشان دادن عناصر طبیعی در جهت بیان عاطفی (مانند آثار وان‌گوگ).

تصویر ۱۵ــ۶ــ تولوز لوترک، ۱۸۹۳ م. (بخشی از اثر)

۱ــ Henri De Toulouse Lautrec

تصویر ۱۶ــ۶ــ هانری تولوز لوترک، ۱۸۹۲ م، پوستر، لیتوگرافی رنگی، ۹۸ . ۱۴۱ سانتی‌متر

آرنووُ

نخستین دهه‌ی سده‌ی بیستم مقارن با به ثمر رسیدن جنبشی همگانی در هنر بود که از اواخر سده‌ی نوزدهم در واکنش به موج فراگیر صنعتی شدن جوامع آغاز شده بود. این جنبش، که با نام «هنر نو»[1] مشهور شد، زمینه‌ی مناسبی شد تا هنرمندان انواع رشته‌های هنری، مانند نقاشی، پیکرتراشی، معماری، معماری داخلی، طراحی پارچه، طراحی اشیای داخلی (میز، صندلی، ظروف و ...)، طراحی چاپی و مصورسازی کتاب و مجلات راتجربه کنند. هنرمندان پیرو «هنر نو» معتقد بودند که : «هنر حقیقی باید هم زیبا و هم مفید باشد» و بر همین اساس به مطالعه و جست‌وجوی معیارهای سادگی و زیبایی پرداختند و به کیفیات تزیینی آثار به جا مانده از

۱ــ Art nouveau (به معنای هنر جدید)

سده‌های میانه‌ی اروپا و هنر شرق و چین و ژاپن روی آوردند. آنان تلاش کردند با اخذ موضوعاتی از طبیعت و شکل‌های گیاهی، طرح‌های ساده شده‌ای را آماده‌ی اجرا نمایند و در اجرا از مصالح و تکنولوژی نوین بهره بگیرند. گوستاوکلیمت[1] یکی از هنرمندان منسوب به جنبش آرنووُ است.

تصویر ۱۷ــ۶ــ گوستاو کلیمت ــ رنگ و روغن روی بوم ۱۹۰۵ میلادی

۱ ــ Klimt Custav (۱۸۶۲ــ۱۹۱۸)

فوویسم[1]

فوویسم نامی بود که، با استهزا، به آثار هنرمندان جوانی که آثار خود را در نمایشگاه سالن پاییزی[2] ۱۹۰۵ پاریس به نمایش گذاشته بودند، اطلاق شد ؛ چرا که آثار ایشان بدون هیچ‌گونه توجهی به رنگ واقعی اشیا و با رنگ‌های تند و شاداب اجرا شده بود.

این گروه، که در رأس آن‌ها «ماتیس»[3] قرار داشت، با مطالعه و الهام گرفتن از شور رنگ در آثار وان گوگ و رنگ‌های غیرتوصیفی[4] آثار گوگن و نیز آشنایی با نقاشی نگارگری ایرانی به مرزهای تازه‌ای در هنر معاصر دست یافتند، که در آزادسازی نقاشی از قید رسوم کهن، مرحله‌ای مهم محسوب می‌شود. آن‌ها با استفاده از رنگ‌هایی تند، زنده و پرشور، که مستقیماً از لوله‌ی رنگ بر پرده می‌نشاندند، قصد داشتند ارزش‌های تازه‌ای در تصویر ایجاد کنند که نه تنها جنبه‌ی واقع نمایی و توصیفی نداشت، بلکه بیان حسی و عاطفی و هرگونه داستان‌سرایی را نیز به کلی از نقاشی نفی می‌کرد.

آندره دُرَن[5] و مُریس ولامینگ[6] از جمله هنرمندانی هستند که در تحقق این شیوه کوشیدند. (تصاویر ۱۸ــ۶، ۱۹ــ۶ و ۲۰ــ۶). این شیوه دو سه سالی بیش نپایید و هنرمندان منسوب به آن به شیوه‌های دیگر گراییدند.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت : شیوه‌ی فوویسم براساس به‌کارگیری جسورانه‌ی «رنگ» قرار داشت و «هماهنگی رنگی» مقدم بر موضوع بود.

تصویر ۱۸ــ۶ــ هانری ماتیس، اتاق به همراه گرامافون، ۱۹۲۴ میلادی رنگ و روغن روی بوم ۸۰ . ۱۰۰ سانتی‌متر کلکسیون پریوت

۱ــ یک روزنامه نگار و منتقد پس از دیدن آثار نقاشان در نمایشگاه سالن پاییزی این نام را به تحقیر بر آن‌ها نهاد.

۲ــ Salond´Automne سالن پاییزی پاریس با روحیه‌ی آزاد منشانه در هنر به سال ۱۹۰۳ تأسیس شد.

۳ ــ Matisse (Henri) (۱۸۶۹ــ۱۹۵۴)

۴ــ منظور از رنگ‌های غیرتوصیفی، به کارگیری رنگ در جای غیرمعمول آن است مثلاً انتخاب رنگ بنفش برای درخت که با واقعیت آن مطابق نمی‌باشد.

۵ ــ Derain (Andre) (۱۸۸۰ــ۱۹۵۴)

۶ ــVelaminck (Maurice´) (۱۸۷۶ــ۱۹۵۸)

تصویر ۱۹ــ۶ــ آندره دُرن ــ رودخانه مُدن تایمز، ۱۹۰۶ میلادی ــ رنگ و روغن روی بوم ۹۹ . ۶۶ سانتی‌متر محل نگه‌داری موزه‌ی تِت لندن

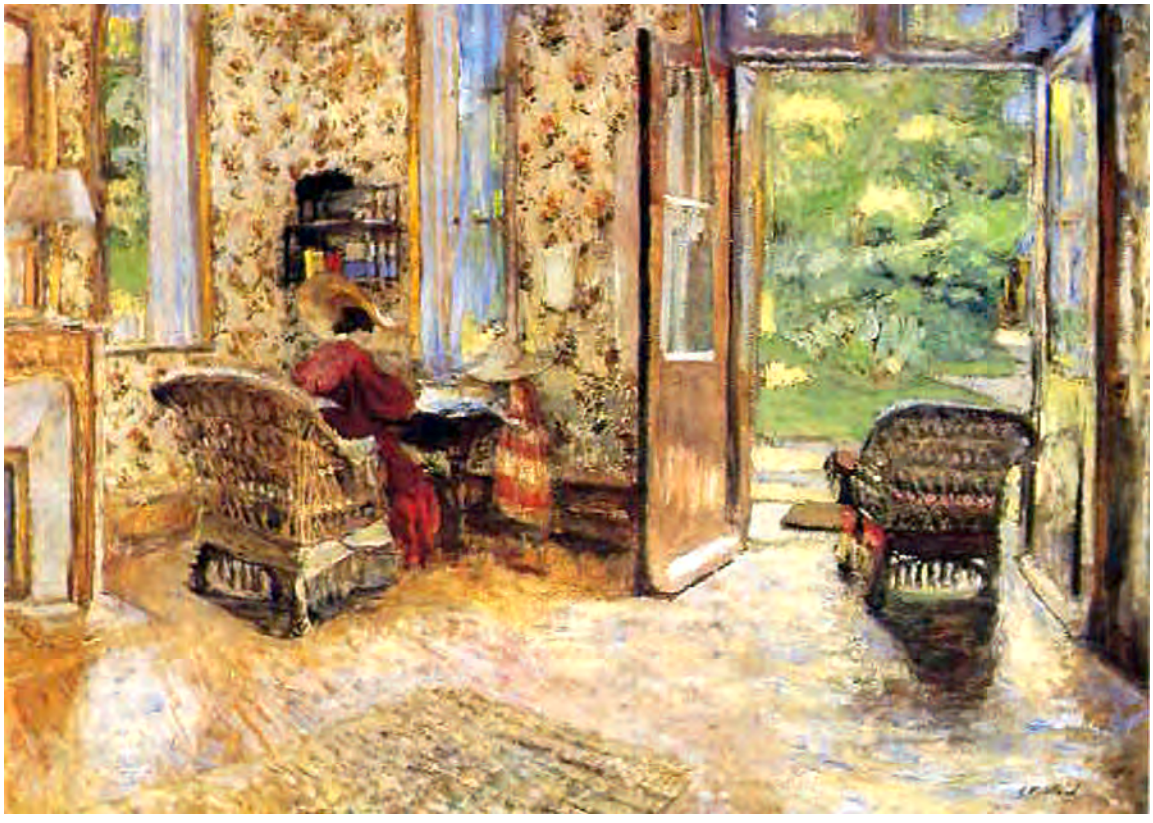

تصویر ۲۰ــ۶ــ مُریس ولامینگ ــ اتاق:رنگ و روغن روی بوم ۱۹۰۴ میلادی

اکسپرسیونیسم

در همان سال‌ها، که جنبش فوویسم در فرانسه شکل می‌گرفت، شیوه‌ی دیگری در آلمان و کشورهای اسکاندیناوی تکوین می‌یافت که «اکسپرسیونیسم»[1] نام گرفت. واژه‌ی اکسپرسیونیسم در لغت به معنای «بیان صریح احساسات درونی» است و به راستی نیز این شیوه براساس «بیان هیجانات درونی» یا «پیام عاطفی» استوار است. هر چند در هنر چنین رویکردی سابقه‌ای بس دیرینه دارد و نمونه‌های بارز آن در آثار رمانتیک‌ها و در دوران متأخرتر در آثار وان‌گوگ قابل بررسی است، امّا شیوه‌ی اکسپرسیونیسم سده‌ی بیستم زاده‌ی حوادث تلخ و رنج‌آوری است که به بسیاری از مردم اروپا تحمیل شد. این شیوه در حقیقت فریاد اعتراضی علیه جنگ‌ها، آداب فریب‌کارانه و فساد حاکم بر اجتماعات شهرها و ریاکاری صاحبان قدرت و مقررات غیرانسانی کارخانه‌ها بوده است.

اولین بار این شیوه در قالب کار گروهی از نقاشان جوان در سال ۱۹۰۵ در شهر «درسدن»[2] آلمان رسمیت یافت، اینان با الهام از آثار وان گوگ، نگرانی‌ها و اعتراض خود را نسبت به مصائب اجتماعی با بیانی پراحساس، صریح و شدید به تصویر کشیدند. اکسپرسیونیست‌ها در جهت اثربخشی هر چه بیش‌تر هنر خود، رنگ‌های تند را به همراه ضربات سریع و خشن قلم مو در زمینه‌ی طرح‌های اغراق‌آمیز و زمخت به‌کار می‌گرفتند، به‌طوری که پرده‌های ایشان تشویش و اضطراب را در دل بیننده بیدار می‌کرد.

ادوارد مونش[3]، امیل نُلده[4] وکَته‌کُل ویْتس[5] از هنرمندان بزرگ این مکتب هنری هستند (تصاویر ۲۱ ــ ۶، ۲۲ ــ۶ و ۲۳ ــ ۶).

تصویر ۲۱ــ۶ــ ادوارد مونش، دختران به روی پُل، حدود سال ۱۹۰۴ تا ۱۹۰۷، رنگ و روغن روی بوم ۶۹ . ۸۰ سانتی‌متر، موزه‌ی کیمبِل آرت، تگزاس

۱ــ Expressionism (هیجان‌گری)
۲ــ Dresden
۳ ــMunch (Eduard) (۱۸۶۳ــ۱۹۴۴)
۴ ــNolde (۱۸۶۷ــ۱۹۵۶)
۵ ــKollwitz (۱۸۶۷ــ۱۹۴۵)

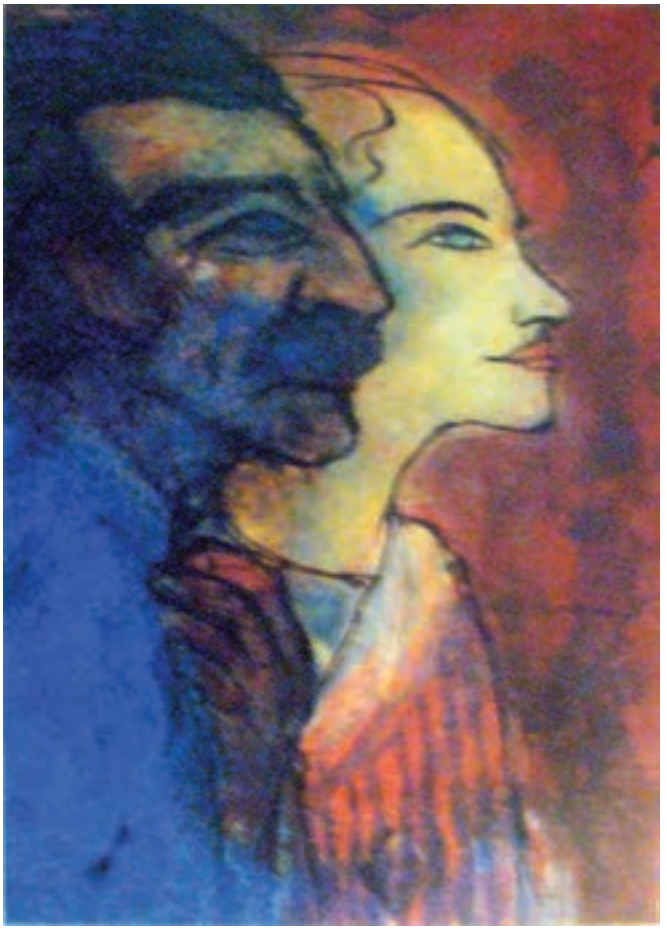

تصویر ۲۲ــ۶ــ امیل نُلده، هنرمند و همسرش، ۱۹۳۲ میلادی ــ آبرنگ

تصویر ۲۳ــ۶ــ کته کل ویتس، نیاز، سال‌های ۱۸۹۳ــ۱۹۰۱م، چاپ سنگی ۱۵/۲ . ۱۵/۵ سانتی‌متر. کته کل ویتس از زنان هنرمند آلمانی و از پیش‌تازان شیوه‌ی اکسپرسیونیسم محسوب می‌شود.

کوبیسم

کوبیسم[1] در لغت به معنای «مکعب‌گری» است و در اصطلاح به شیوه‌ای اطلاق می‌شود که از سال ۱۹۰۷ پابلو پیکاسو[2] و جورج براک[3] شکل دادند و امروزه به عنوان یکی از مهم‌ترین مکاتب هنری سده‌ی بیستم شناخته شده است. بسیاری از هنر شناسان «سزان» را پدر کوبیسم دانسته و معتقدند که آرای وی، خصوصاً این جمله‌ی معروفش، زمینه‌ی ظهور کوبیسم را فراهم آورده است :

«باید همه‌ی مشهودات را به‌واسطه‌ی حجم‌های هندسی منتظم چون استوانه، کره و مخروط به تصویر آورد...»

به عبارت دیگر در ابتدا، جست و جوی شکل ثابت و ساختمان هندسی اشیا، موجودات و مناظر و سپس ثبت آن بر صفحه، سر لوحه‌ی کار کوبیست‌ها قرار گرفت ؛ امّا در مراحل بعدی ایشان به نتایج تازه‌ای دست یافتند از این‌رو سه مرحله در شکل‌گیری و گسترش شیوه‌ی کوبیسم شناخته شده است :

در مرحله‌ی نخست که تحت تأثیر آرای سزان شکل گرفت، کوبیست‌ها شکل ساختمانی و هندسه‌ی ثابت موضوعات را جست‌وجو کردند (تصویر ۲۴ــ۶) آن‌ها سعی کردند، علاوه بر نمایش وجهی از شئ که در برابر دید است، پشت و پهلوهایی را نیز که از دید پنهان است با هم و در آنِ واحد به نمایش بگذارند. درنتیجه از جهاتِ مختلفِ اشیا طرح برمی‌داشتند و آن‌ها را طبق نظر خود و بانظمی خاص ترکیب می‌کردند. آثار این دوران ترکیبی بود از سطوح شکسته، که نه تنها نشانی از شئ مورد نظر نداشت، بلکه دیگر رنگ نیز در آن‌ها به حداقل رسیده و ضعیف شده بود. به همین سبب، این شیوه به «کوبیسم تحلیلی[4]» معروف است (تصاویر ۲۵ــ۶، ۲۶ــ۶ و ۲۷ــ۶).

تصویر ۲۴ــ۶ــ جورج براک، خانه در چشم‌انداز؛ رنگ روغن، ۱۹۰۸ م.

۱ــ Cubism به معنای مکعب‌گرایی

۲ــ Picasso (Pablo) (۱۸۸۱ــ۱۹۷۳)

۳ــ Braque (Georgei) (۱۸۸۲ــ۱۹۶۳)

۴ــ Analgtical Cubism

تصویر ۲۵ــ۶ــ جورج براک، طبیعت بی‌جان، ویلون و تابلو؛ ۱۰ــ۱۹۰۹ م.

تصویر ۲۶ــ۶ــ پابلو پیکاسو ــ آمبرواز وولار، ۱۹۰۹ ــ ۱۹۱۰ میلادی ۶۲/۵ . ۹۰ سانتی‌متر ــ موزه‌ی پوشکین مسکو. به تغییر فرم‌های و شکست آن‌ها دقت کنید. به نظر می‌رسد شخص در آینه شکسته شده چهره‌ی‌خود را می‌بیند.

تصویر ۲۷ــ۶ــ پابلو پیکاسو، گرنیکا نقاشی دیواری ۱۹۳۷ رنگ روغن روی بوم تقریباً ۳۴۵ . ۷۷۰ سانتی‌متر به تازگی از موزه‌ی هنرهای مدرن نیویورک به اسپانیا برگردانده شده است. (با توجه به اِشل انسانی (حدوداً ۱۸۰ سانتی‌متر) اندازه و بزرگی تابلو را تصور کنید.)

به زودی هنرمندان متوجه محدودیت‌های کوبیسم تحلیلی شدند و در آخرین سال‌های قبل از جنگ جهانی اول به راه‌حل جدیدی رسیدند که به «کوبیسم ترکیبی[۱]» معروف است. در این مرحله وجوه مختلف اشیا به صورت کارت‌هایی رنگی و با زوایای متنوع در کنار هم ترکیب می‌شوند و شکل تازه‌ای را به وجود می‌آورند. در نتیجه از هر شئ نشانه‌ای بر جای می‌ماند، مثلاً دو خط موازی تداعی‌کننده‌ی گیتار بود.

در این شیوه گاه هنرمندان تکه‌های اشیای مختلف را به هم الحاق می‌نمودند که به تکنیک کلاژ[۲] معروف است.

فوتوریسم[۳]

ربع اول سده‌ی بیستم در اروپا همراه با تحولات عمده در مناسبات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تکنولوژیکی مقارن با نوآوری‌های اساسی در هنر بود. به‌طوری که متفکران و هنرمندان، متناسب با تحولات و نیازهای ذهنی جامعه‌ی خود، راه‌های نوینی را در جهت دست‌یابی به مرزهای نو در اندیشه و هنر جست‌وجو می‌کردند و می‌آزمودند.

جنبش فوتوریسم هم توسط فیلیپو مارینتی[۴] شاعر و ناقد ایتالیایی مطرح شد. مارینتی با انتشار بیانه‌ای متهورانه در سال ۱۹۰۹م. «مرگ هنر گذشته» و «تولد هنر آینده» را اعلام کرد. هر چند که فوتوریسم در ابتدا یک نظریه‌ی سیاسی و ادبی بر ضد رکود فرهنگی ایتالیایی سده‌ی نوزدهم و اصول اخلاقی رایج بود، اما به زودی تعدادی از هنرمندان جوان ایتالیایی، مانند اورمبرتو بوتچونی[۵]، جاکُمو بالّا[۶] به فیلیپو مارینتی پیوستند و علاقه و آمادگی خود را در جهت تحقق آرمان‌های فوتوریسم در هنرهای تجسمی اعلام

۱ــ Synthetic Cubism

۲ــ Collage (کُلاژ: فرانسوی) اسلوبی است که در آن مصالح و مواد مختلف (چون مقوا ــ پارچه ــ ریسمان ــ بریده‌ی روزنامه ــ عکس و جز این‌ها) را بر سطح بوم، تخته یا مقوای چسبانند.

۳ــ Futurisme (آینده نگری)

۴ــ Marinetti (Fillippo Tommaso) (۱۸۷۶ــ۱۹۴۴)

۵ــ Boccioni (Umberto) (۱۸۸۲ــ۱۹۱۶) (نقاش و نظریه‌پرداز و تنها مجسمه ساز فوتوریست)

۶ــ Balla (Gacomo) (۱۸۷۱ــ۱۹۵۸)

داشتند. بدین ترتیب درسال ۱۹۱۰م. نظرات خود را درباره‌ی نقاشی فوتوریستی منتشر ساختند. در این بیانیه آمده بود :

«... باید خود را از بند مضامین به کار رفته و فرسوده شده یکسره رها ساخت تا بتوان آشفتگی زندگی امروزین را، که از آهن و فولاد و نخوت و سرعت جنون‌آمیز تشکیل یافته است، به بیان هنری در آورد...»[۱]

اولین نمایشگاه فوتوریست‌ها در سال ۱۹۱۰ در ایتالیا گشایش یافت و مرتباً تکرار شد. آثار این دوره‌ی آنان از نظر تکنیک اجرای کار نوآوری نداشت. به‌طوری که تأثیر مکاتب پیشین، چون امپرسیونیست‌ها، پست امپرسیونیست‌ها (به‌ویژه هنرمندان نقطه‌پرداز خصوصاً سورا) و یا جسارت‌های فوویسم در انتخاب رنگ و تجربیات کوبیست‌ها از آثار ایشان به چشم می‌خورد. امّا هنرمندان فوتوریست در جهت دست‌یابی به تجسم حرکت و سرعت در آثارشان به راه‌حلی، که شاید امروزه برای ما کمی ساده‌لوحانه باشد، دست یافتند. بدین ترتیب که مثلاً برای نمایش اسبی در حال تاخت، پاهای متعددی به‌طور متوالی نقاشی می‌کردند تا یادآور سرعت و حرکت باشد.

بدین منظور هر موجود در حال حرکتی را با اعضای متعدد در ترتیبی رشته‌وار یا شعاعی نقاشی می‌کردند (تصویر ۲۸ــ۶). بوتچونی نیز در جهت نمایش غوغای زندگی شهری از کُلاژ حروف و اعداد راهنما بهره جست. چندی بعد از این بود که حروف به تابلوهای کوبیستی براک و پیکاسو نیز راه یافت.

تصویر ۲۸ــ۶ــ جاکُمو بالاّ ــ پرواز پرستو، ۱۹۱۳ میلادی، تمپرا روی کاغذ، ۷۶ . ۵۱ سانتی‌متر، محل نگه‌داری موزه‌ی هنر مدرن نیویورک

۱ــ خلاصه‌ی تاریخ هنر، پرویز مرزبان، ص ۳۲۵

بدین ترتیب جنبش فوتوریست که از ایتالیا شروع شده بود به سرتاسر اروپا راه یافت. امّا این شیوه چندان دیر نپایید و به زودی هنرمندان منسوب به آن متفرق شدند. هر چند فوتوریسم در سیاست به فاشیسم انجامید، امّا اهمیت آن در جهت ظهور مکاتب بعدی غیرقابل انکار است (تصویر ۲۹ــ۶).

تصویر ۲۹ــ۶ــ اومبرتو بوتچونی، سر و صدای خیابان وارد خانه می‌شود، ۱۹۱۱ م، رنگ و روغن، ۱۰۰ . ۱۰۰ سانتی‌متر، گالری ملی هانور آلمان

دادائیسم[۱]

دادائیسم را به راستی باید زاده‌ی جنگ جهانی اول دانست. در سال ۱۹۱۶ م. گروهی از هنرمندان و نویسندگان، که از ویرانگری و مصائب جنگ از مناطق مختلف اروپا گرد آمده و در شهر زوریخ[۲] اقامت گزیده بودند، این جنبش را پایه نهادند. امّا به زودی تأثیرات آن به فرانسه، آلمان، ایتالیا و امریکا نیز تسرّی یافت. رهبران این حرکت عبارت بودند از : تریستان تزارا[۳] شاعر اهل رومانی، و فرانسیس پیکابیا[۴] از نخستین اعضای گروه بودند. گفته شده است در یک شب که این گروه در کافه‌ای دور هم جمع شده بودند یک لغت‌نامه رابه‌طور اتفاقی باز کردند و به واژه‌ی «دادا» به معنی اسب چوبی کودکان برخوردند و همان نام را برای شیوه‌ی ابداعی خود پذیرفتند.

۱ــ Dadaisme (اسب چوبی کودکان)

۲ــ زوریخ از شهرهای سوئیس است. لازم به ذکر است که در طی دو جنگ جهانی این کشور بی‌طرف باقی مانده و جای امنی برای متفکران، هنرمندان و سیاست‌مداران بوده است.

۳ ــ Tzara (Tristan) (۱۸۹۶ــ۱۹۶۳)

۴ ــ Picabia (Francis) (۱۸۷۹ ــ۱۹۵۳)

دادائیسم را عده‌ای در اساس حرکتی «ضد هنر» منفی و بدبین به شمار می‌آورند که طرد و تخریب تمامی دستاوردهای بشری را در دستور کار خود قرار داده بود. زیرا دادائیست‌ها چه در آثار هنری خود و چه در رفتارهای شخصی همه‌ی آداب اجتماعی و موازین هنری و اصول عقلانی و منطقی را به استهزا و ابتذال کشاندند به‌طوری که انزجار خاطر همگان را فراهم آوردند.

اولین نمایشگاه دادائیست‌ها، با آثاری که همه‌ی اصول نقاشی را به سُخره گرفته بود، به همراه مراسمی غریب و غیرمعمول در زوریخ گشایش یافت. این هنرمندان با لحنی تند به استهزای آداب اجتماعی پرداختند.

در پاریس جنبش «دادا» بیش از هر جای دیگر دامنه یافت و برجسته‌ترین نماینده‌ی آن مارسل دوشان[1] با رسم سبیلی بر چهره‌ی تصویری از مونالیزا اثر داوینچی، استهزای هنر گذشتگان را به اوج رسانید (تصویر ۳۰ـ۶).

تصویر ۳۰ـ۶ـ مارسل دوشان، مونالیزا با سبیل؛ ۱۹۱۹، مداد روی تصویر چاپی

۱ـ Duchamp (Marcel) (هنرمند فرانسوی ۱۹۶۸ـ۱۸۸۷)

پیکابیا نیز با رسم تصاویری بی سرو ته از اشکال ماشینی، دادائیسم را در نیویورک اشاعه داد (تصویر ۳۱ـ۶).

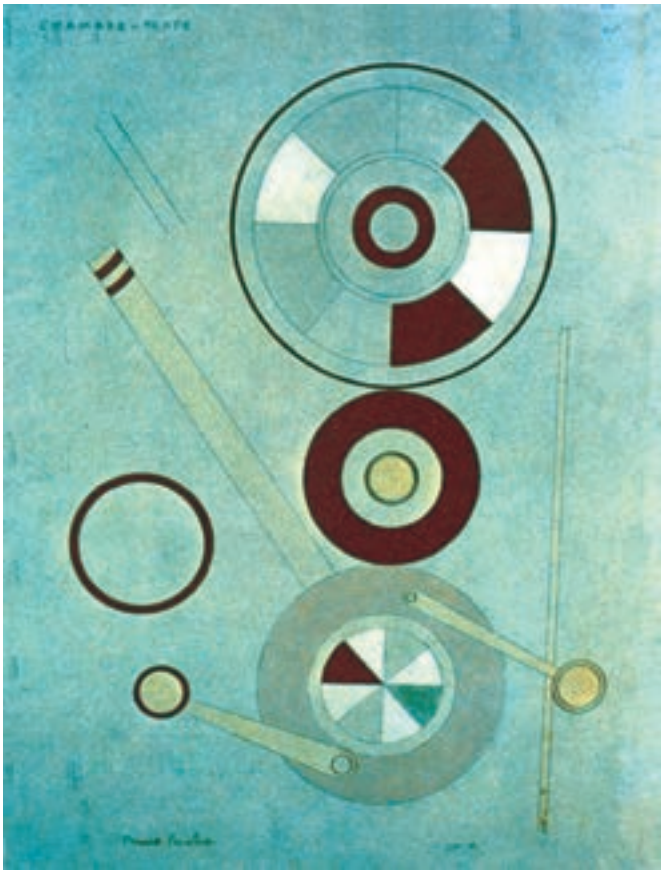

تصویر ۳۱ـ۶ـ فرانسیس پیکابیا، اتاق عجیب؛ ۱۹۱۸ م.

دادائیسم، در واقع عصیانی فکری همراه با عنادهای اجتماعی و عقاید تند سیاسی بود که عمری کوتاه داشت. با این حال باید گفت که این مکتب با آزاد کردن هنر از قید قراردادهای کهن راه را بر ظهور جریان‌های پیشتاز هنری، خصوصاً سوررئالیسم، هموار ساخت.

سوررئالیسم[۱]

با پایان یافتن جنگ جهانی اول و فرو نشستن تب و تاب آن و از طرف دیگر گسترش مطالعات روان‌شناسانه، هنرمندان و متفکران مجال جست‌وجوهایی نوین را در مرزهای اندیشه و هنر یافتند. از این‌رو در سال ۱۹۲۴ م. آندره برتون[۲] شاعر و منتقد فرانسوی، به همراه تنی چند[۳]، اعلامیه‌ی سوررئالیسم را منتشر ساختند. در این اعلامیه به صراحت از هنرمندان خواسته شده بود تا نظارت عقل و منطق را در خلق آثار هنری کنار بگذارند و در جهت دست‌یابی به اعماق وجود آدمی به تصاویر ضمیر ناهشیار[۴]، که در خواب و رؤیا و یا کابوس‌های شبانه دیده می‌شوند، فرصت ظهور دهند.

۱ـ Surrealism (به معنای فراواقعگرایی)

۲ـ Breton (Andre´) (۱۸۹۶ـ۱۹۶۶)

۳ـ این جمع عبارت بودند از : فیلیپ سوپو، پل الوار، لویی آراگس، رژه ویتراک.

۴ـ سطوح آگاهی انسان را به سه بخش تقسیم کرده‌اند : الف ـ ضمیر هشیار که آگاهی ما در آن سطح قرار دارد و تفکر منطقی و عقلانی بدان تعلق دارد، ب ـ ضمیر نیمه هشیار، ج ـ ضمیر ناهشیار یا ناخودآگاه که دسترسی به آن مشکل است و تنها طی مراحل روان‌کاوی مستمر امکان دسترسی به آن فراهم می‌شود.

این شیوه نخست در ادبیات پا گرفت، امّا به زودی هنرمندان رشته‌های تجسمی نیز بدان گرویدند، و ماکس ارنست نقاش فرانسوی آلمانی‌الاصل نیز رساله‌ای درباره‌ی «سوررئالیسم در نقاشی» به رشته‌ی تحریر درآورد و در آن نوشت :

«... اثری در خور نام سوررئالیست است که به کلی از نظارت شعور و عقل و ذوق و اراده آزاد باشد ...»[1]

سوررئالیسم در لغت به معنای «واقعیت برتر» یا «فراواقعی» است، امّا این «واقعیت برتر» از نظر هنرمندان منسوب به این شیوه نه آن چیزی است که پیش از این سابقه داشته است، بلکه در نظر ایشان تداعی آزاد تصاویر برخاسته از ضمیر ناخودآگاه و «وهم»[2] از اصالت کافی برخوردار است.

از نقاشان نام‌آور منسوب به این شیوه می‌توان از : ماکس ارنست[3]، مارک شاگال[4] (تصویر ۳۲ــ۶)، خوان میرو[5] (تصویر ۳۳ــ۶)، رنه ماگریت[6] و سالوادور دالی[7] و ... نام برد.

تصویر ۳۲ــ۶ــ مارک شاگال. من و دهکده ۱۹۱۱م، رنگ و روغن روی بوم، ۱۵۱ . ۱۹۲ سانتی‌متر، موزه‌ی هنرهای مدرن نیویورک

۱ــ نقاشی نوین، احسان یار شاطر، ص۱۴۱

۲ــ وهم عبارت است از نجوای درون ذهن درباره‌ی امور غیر واقعی که امکان ظهور ندارند.

۳ــ Ernst (Max) (نقاش آلمانی ــ فرانسوی۱۹۷۶ــ۱۸۹۱)

۴ــ Chagall (Marc) (نقاش روس ۱۹۸۵ــ۱۸۸۷)

۵ــ MirO´ (Joan)(نقاش اسپانیایی۱۹۸۳ــ۱۸۹۳)

۶ــ Magritte (Rene´) (نقاش بلژیکی ۱۹۶۷ــ۱۸۹۶)

۷ــ Dali (Salvador) (نقاش اسپانیایی۱۹۸۹ــ۱۹۰۴)

تصویر ۳۳ــ۶ــ خوان میرو، پارس سگ به ماه؛ ۱۹۲۶ م.

سوررئالیسم هم مانند دادائیسم از نظر تکنیکی سبک خاصی را در نقاشی به وجود نیاورد و گرایش‌های مختلفی را در خلق آثار آن‌ها می‌توان مشاهده کرد، امّا به‌طور کلی آثار ایشان را به دو گروه می‌توان تقسیم‌بندی کرد :

۱ــ آثاری که در جهت نمایش موضوع از تناسب و تعادل اشکال برخوردارند و نقاش به واسطه‌ی گویایی طرح و رنگ و فرم، بیننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد (تصویر ۳۴ــ۶).

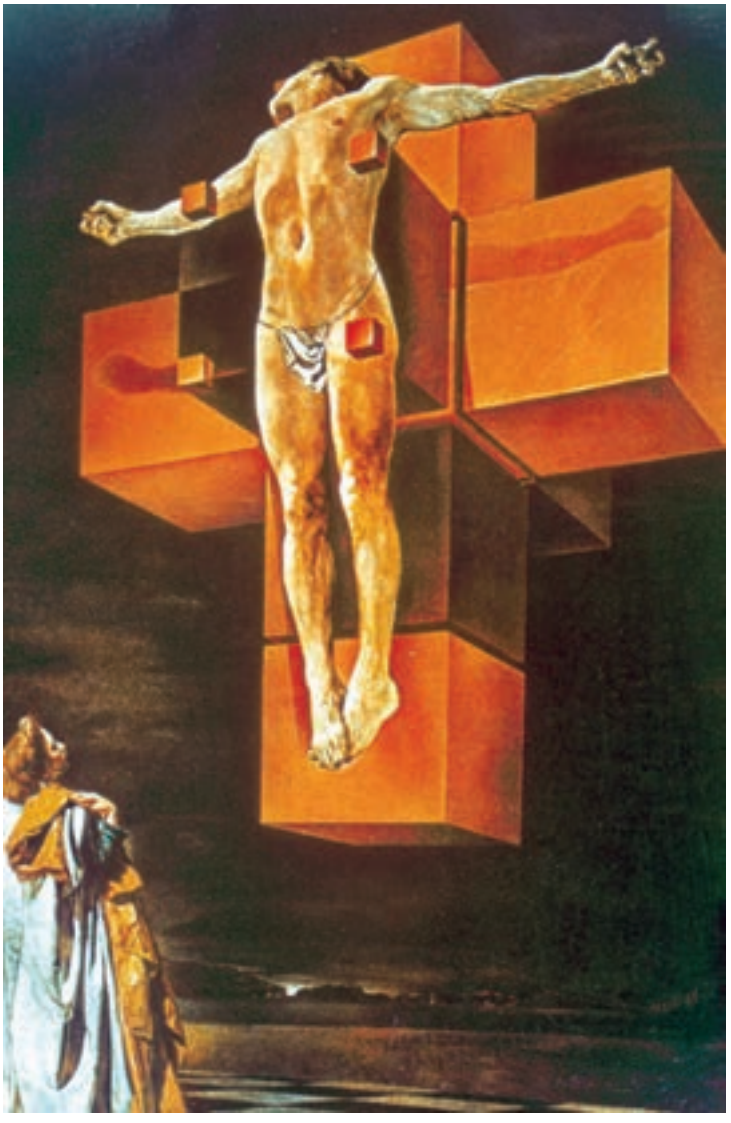

تصویر ۳۴ــ۶ــ سالوادور دالی، تصلیب، رنگ و روغن، ۱۹۵۱ م

۲ــ در برخی از آثار جُرجودِ کی‌ریکو[۱] ورُنه ماگریت[۲]، هنرمند با ایجاد مجاورت بین اشیای نامأنوس توانسته است عواطف درونی بیننده را برانگیزد (تصاویر **۳۵ــ۶** و **۳۷ــ۶**).

هم‌چنین بعضی از هنرمندان این سبک مثل مارکس اِرنْست[۳] نقوش تجریدی را دست مایه خود قرار داده‌اند (تصویر **۳۶ــ۶**).

تصویر ۳۵ــ۶ــ جُرجودِ کی‌ریکو، پیزا ایتالیا؛ **۱۹۱۲ م.**

تصویر ۳۶ــ۶ــ ماکس اِرنْست، لذت زندگی؛ **۱۹۳۶ م.**

۱ــ Chirico (Giorgio) (۱۸۸۸ــ۱۹۷۸) (نقاش ایتالیایی)

۲ــ Magritte (۱۸۹۸ــ۱۹۹۶) (نقاش بلژیکی)

۳ــ Ernest (۱۸۹۱ــ۱۹۷۶) (نقاش و پیکره ساز آلمانی)

تصویر ۳۷ــ۶ــ رنه ماگریت، ۱۹۶۰ م.

آبستره[۱]

طی سال‌های دهه‌ی دوم سده‌ی بیستم که فضای فرهنگ و هنر اروپا از برخورد اندیشه‌ها و ظهور مکاتب نو هنری آکنده بود، شیوه‌ای دیگر که اساساً بازنمایی طبیعت مشهود را طرد می‌کرد، شکل گرفت ؛ این شیوه بعدها به «هنر انتزاعی» مشهور گشت و زمینه‌ساز تکوین شیوه‌های متعددی در سراسر سده‌ی بیستم گردید.

در این میان دو گرایش عمده را در جهت‌گیری هنر انتزاعی می‌توان شناسایی کرد :

نخست روشی که در آن وجه عاطفی و احساس برانگیز رنگ و فرم (شکل) ریتم غالب است و در رأس آن واسیلی کاندینسکی قرار دارد و شیوه‌های اکسپرسیونیسم انتزاعی[۲] از آن منشعب می‌شود (تصاویر ۳۸ــ۶ و ۳۹ــ۶).

۱ــ Abstract Art (به معنای هنر انتزاعی)

۲ــ Abstract Expressionism یا Action Paintiny که در سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۱ مطرح بود و از نام آوران آن می‌توان از دکونینک (de Kooning)، جکسن پالاک (J.Pollock) نام برد.

تصویر ۳۸ــ۶ــ واسیلی کاندینسکی، ترکیب‌بندی شماره‌ی ۷؛ ۱۹۱۳ م.

تصویر ۳۹ــ۶ــ جکسن پالاک، یک (شماره‌ی ۳۱، ۱۹۵۰) سال ۱۹۵۰ م، رنگ روغن و رنگ لعابی روی بوم بدون آستر، ۵۳۰ . ۴۵۹ سانتی‌متر، موزه هنر مدرن نیویورک (آیا بزرگی اندازه تابلو را با توجه به اِشل انسانی (حدوداً ۱۸۰ سانتی‌متر) می‌توانید تصور کنید؟)

در روش دوم هماهنگی نظام هندسی اشکال و رنگ به صورت کاملاً انتزاعی مورد توجه هنرمند است. مانند پیت موندریان[۱]، که سعی داشت شکل‌های ناب هندسی را در کنار رنگ‌های بنیادین در یک ارتباط منطقی عمودی و افقی نظم ببخشد (شکل ۴۰ــ۶).

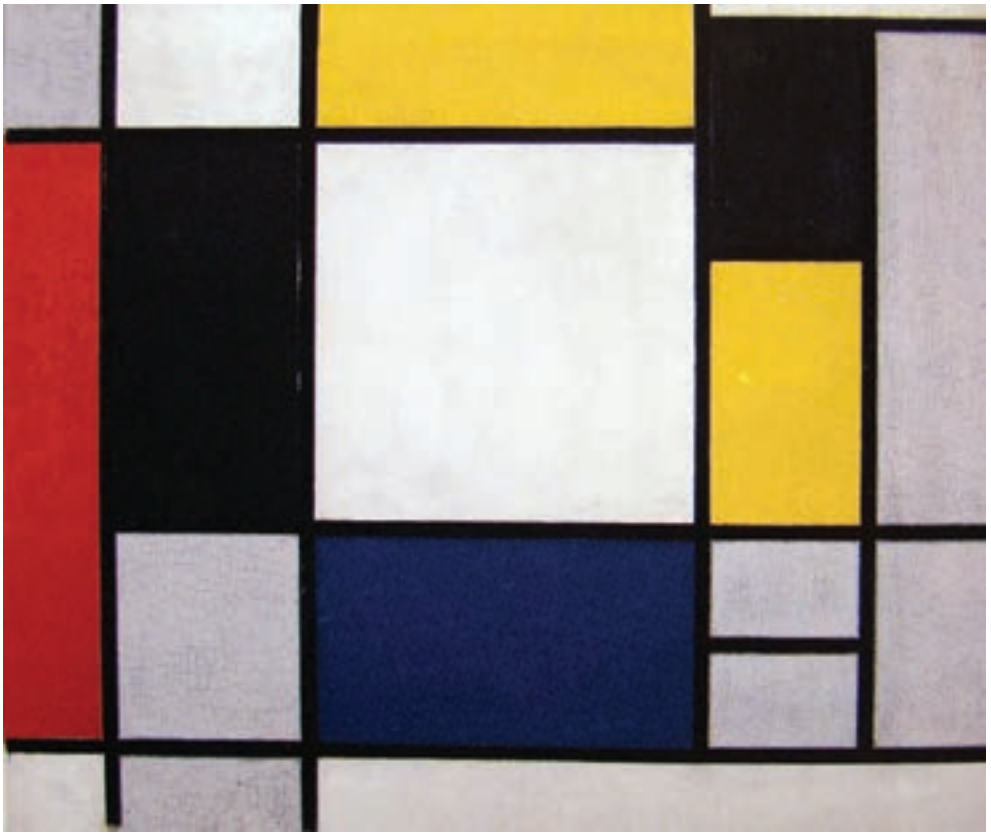

تصویر ۴۰ــ۶ــ پیت موندریان، ترکیب‌بندی با قرمز، سیاه و آبی، زرد و خاکستری، ۱۹۲۰ میلادی، رنگ و روغن روی بوم ۶۰ . ۵۲ سانتی‌متر، موزه آمستردام

۱ــ Mondrian (Piet) هنرمند هلندی

اُپ آرت[1]

اصطلاحی که در دهه‌ی ۱۹۶۰ به نوعی نقاشی انتزاعی اطلاق شد که در ایجاد خطای دید تأکید داشت. هنرمندان این شیوه با استفاده از مجموعه‌ی خطوط، شکل‌های کوچک و بزرگ و سطوح رنگی به طریقی متقارن و متمرکز تحت نظم درمی‌آورند، که حالتی لرزنده و متحرک پیدا می‌کرد.

ویکتور وازارلی[2] و موریس اشر[3] از هنرمندان برجسته‌ی اُپ آرت به‌شمار می‌آیند.

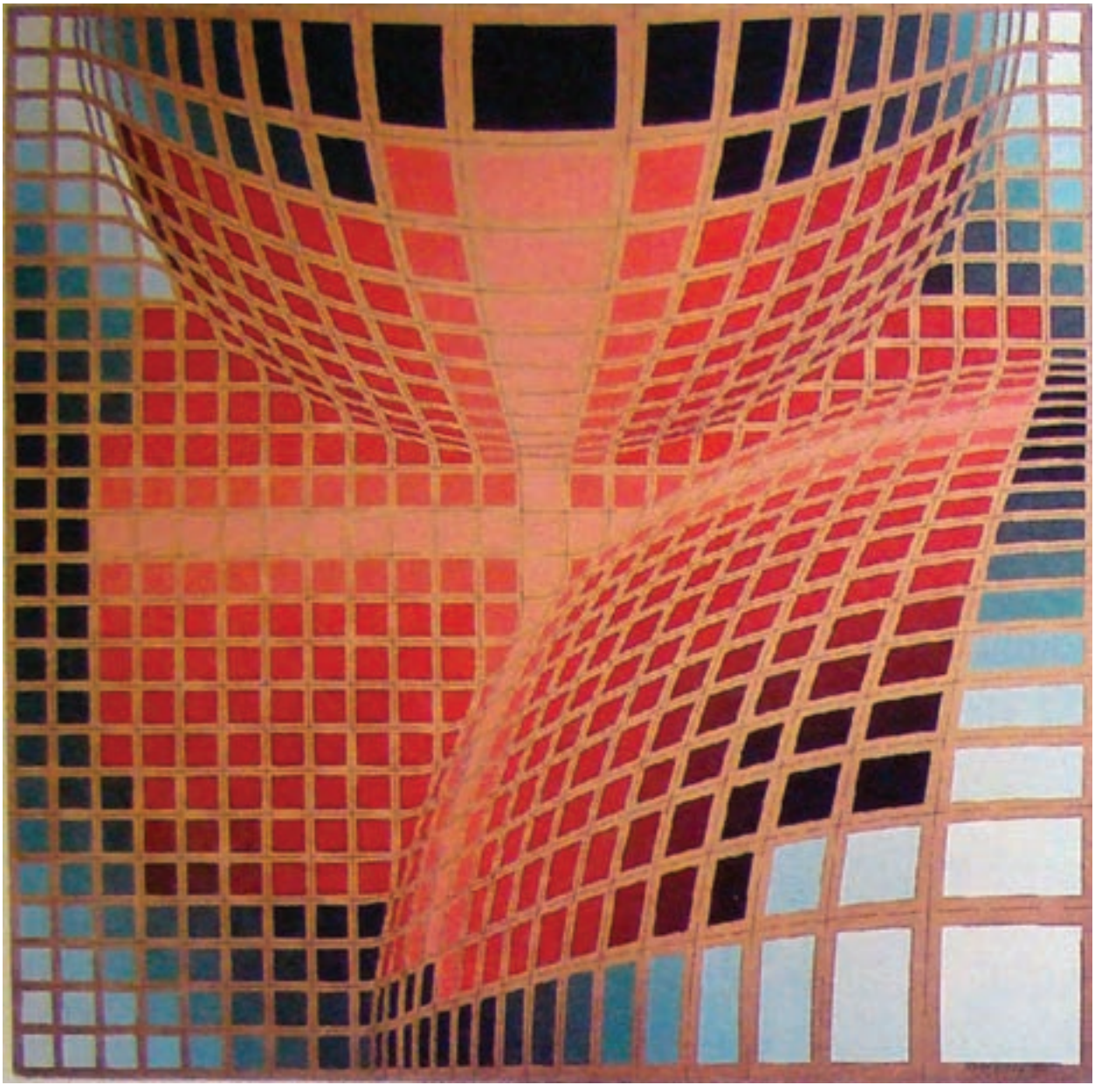

تصویر ۴۱ــ۶ــ ویکتور وازارلی، سال ۱۹۸۴ اکریلیک روی بوم، ۱۰۱ . ۱۰۱ سانتی‌متر، مؤسسه‌ی هنرهای زیبا شیکاگو

---

۱ ــ (op Art) tioprcal Art (به معنای هنر بصری)

۲ ــ Vasarely (Victor) (هنرمند فرانسوی مجاری‌الاصل ۱۹۹۷ــ ۱۹۰۸)

۳ ــ Escher (۱۹۷۲ ــ ۱۸۹۸ هنرمند هلندی)

تصویر ۴۲ــ۶ــ موریس اشر، ترکیب‌بندی

پاپ آرت[۱]

پاپ آرت به معنای هنر همگانی[۲] از جنبش‌های هنری دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی است، که بر فرهنگ شهری توده‌ی مردم تأکید داشتند و نوعی زیبایی‌شناسی همگانی را در هنر پیش گرفتند.

موضوعاتی مانند فیلم‌ها، آگهی‌های تبلیغاتی، داستان‌های شبه علمی، موسیقی پاپ، حروف و علائم متداول اشیای روزمره و کالاهای مصرفی ابزار این هنر جدید قرار گرفتند.

از هنرمندان این مکتب جَسْپر جانْز[۳] و اندی وارهول[۴] را می‌توان نام برد (تصاویر ۴۳ ــ۶، ۴۴ ــ۶ و ۴۵ ــ۶).

۱ــ Pop Art (به معنای هنر همگانی)

۲ــ دایرةالمعارف هنر رویین پاکباز ص ۱۱۱

۳ــ Johns (Jasper) (نقاش امریکایی ۱۹۳۰) ــ

۴ــ Warhol (Andy) (نقاش و فیلم‌ساز امریکایی ۱۹۸۷ ــ ۱۹۲۸)

تصویر ۴۳ــ۶ــ جَسپر جانُز، نشانه با چهار صورت؛ ۱۹۵۵ م. قالب‌گیری و کلاژ روی بوم

تصویر ۴۴ــ۶ــ اندی وارهول، ۱۰۰ قوطی کنسرو سوپ، رنگ روغن روی بوم، ۱۳۲ ـ ۱۸۲ سانتی‌متر، ۱۹۶۲

تصویر ۴۵ــ۶ــ اندی وارهول، سریگرافی[1] روی کاغذ، مونالیزا

پرسش‌ها

۱ــ امپرسیونیسم در مبانی فکری خود با کدام‌یک از مکاتب قبلی مشترک است؟

۲ــ عوامل مهم در ظهور مکتب امپرسیونیسم را برشمارید؟

۳ــ تفاوت امپرسیونیسم با مکاتب نقاشی قبلی در چیست؟

۴ــ دستاوردهای مهم امپرسیونیست‌ها را در نقاشی، با ذکر نمونه‌ای از آثار هنرمندان این مکتب، شرح دهید.

۱ــ Serigraphy ــ اسلوب تکثیر با استنسل (چاپ توری) که به چاپ سیلک اسکرین معروف است چاپ سیلک اسکرین توسط سیموئل سیمُن ابداع شد (۱۹۰۷) بعدها با عنوان سریگرافی کاربرد هنری وسیعی یافت.

۵ــ ویژگی‌های پست امپرسیونیسم در چیست؟
۶ــ گرایش‌های مهم پست امپرسیونیسم را با ذکر نام هنرمندان آن توضیح دهید.
۷ــ ویژگی آثار جورج سورا کدام است؟ توضیح دهید.
۸ــ اهمیت سزان را در هنر مدرن توضیح دهید.
۹ــ هنر گوگن و وان گوگ را مقایسه کنید و اهمیت هر یک را در شکل‌گیری مکاتب بصری توضیح دهید.
۱۰ــ گرافیک نوین مدیون آثار کدام هنرمند است؟ توضیح دهید.
۱۱ــ اساساً چه عواملی سبب ظهور جنبش آرنووُ (Art Nouveau) بوده است؟
۱۲ــ فوویسم به چه معناست و مشخصات آثار آن را شرح دهید.
۱۳ــ فوویسم و امپرسیونیسم را با یکدیگر مقایسه کنید.
۱۴ــ نام سه تن از هنرمندان برجسته مکتب اکسپرسیونیسم را بنویسید.
۱۵ــ اصول اکسپرسیونیسم بر چه عواملی استوار است؟
۱۶ــ عوامل ظهور اکسپرسیونیسم چیست؟
۱۷ــ واژه‌ی کوبیسم راتعریف کنید و نقش «سزان» را در شکل‌گیری آن شرح دهید.
۱۸ــ کوبیسم تحلیلی را شرح دهید.
۱۹ــ کوبیسم ترکیبی را شرح دهید.
۲۰ــ هنرمندان منسوب به کوبیسم را نام ببرید (حداقل ۲ نفر)
۲۱ــ هنرمندان فوتوریست را معرفی کنید.
۲۲ــ بیانیه فوتوریست‌ها را در خصوص هنر شرح دهید.
۲۳ــ روش نمایش و تجسم حرکت در مکتب فوتوریست را توضیح دهید.
۲۴ــ عوامل ظهور دادائیسم را شرح دهید.
۲۵ــ تأثیر دادائیسم بر هنر سده‌ی بیستم چگونه است؟ شرح دهید.
۲۶ــ هنرمندان منسوب به دادائیسم را معرفی کنید و بگویید به چه دلیل شهرت دارند.
۲۷ــ ویژگی آثار مارسل دوشان را شرح دهید.
۲۸ــ عوامل ظهور و ویژگی مکتب سوررئالیسم را شرح دهید.
۲۹ــ ویژگی آثار سالوادور دالی را شرح دهید.
۳۰ــ ویژگی آثار کی ریکو را شرح دهید.
۳۱ــ ویژگی آثار رنه ماگریت را شرح دهید.
۳۲ــ ویژگی آثار کاندینسکی در هنرهای انتزاعی را شرح دهید.
۳۳ــ ویژگی آثار موندریان در هنرهای انتزاعی را شرح دهید.
۳۴ــ واژه‌ی «اُپ آرت» را توضیح دهید و ویژگی‌های این مکتب را بیان کنید.
۳۵ــ واژه‌ی «پاپ آرت» را شرح داده و ویژگی‌های این مکتب را توضیح دهید.

فهرست منابع

۱. آرناسن، ی هـ (۱۳۶۷) ؛ تاریخ هنر نوین، محمدتقی فرامرزی، تهران زرین، نگاه

۲. استوارت گری ولش ــ یحیی ذکاء (۱۳۷۳) مینیاتورهای مکتب ایران و هند، زهرا احمدی و محمدرضا نوری، فرهنگسرا

۳. پاکباز، رویین (۱۳۷۸) ؛ دایرةالمعارف هنر، فرهنگ معاصر، چاپ اول

۴. پاکباز، رویین (۱۳۸۰) ؛ نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، سیمین و زرین

۵. تجویدی، اکبر (۱۳۵۲) ؛ نقاشی ایران از کهن‌ترین روزگار تا دوران صفویه، وزارت فرهنگ و هنر

۶. جنسن، هـ.و (۱۳۵۹) ؛ تاریخ هنر، ترجمه‌ی پرویز مرزبان، تهران، سازمان انتشارات انقلاب اسلامی

۷. حلیمی، محمدحسین (۱۳۶۶) ؛ شیوه‌های نقاشی از رنسانس تا هنر معاصر، تهران، امیرکبیر

۸. ذکاء، یحیی (۱۳۸۲) ؛ صنیع‌الملک، مرکز نشر دانشگاهی

۹. ضیاپور، جلیل (۱۳۵۳) ؛ آشنایی با رنگ‌آمیزی در آثار هنری ایرانیان تهران، وزارت فرهنگ و هنر

۱۰. کاشیان، حسین (ــ) ؛ کمال‌الملک، موزه‌ی هنرهای معاصر، وزارت ارشاد اسلامی

۱۱. کریم‌زاده‌ی تبریزی، محمدعلی (۱۳۶۸) ؛ احوال و آثار نقاشان قدیم ایران، مستوفی

۱۲. کیکاووسی، نعمت‌الله (۱۳۶۹) ؛ گلگشت در نگارستان

۱۳. گاردنر، هلن (۱۳۶۵) ؛ هنر در گذر زمان، ترجمه‌ی محمدتقی فرامرزی ؛ تهران، آگاه

۱۴. گامبریچ، ارنست (۱۳۷۹) ؛ تاریخ هنر، ترجمه‌ی علی رامین، تهران، نی

۱۵. ماری، ژان لی و ... (۱۳۵۱) ؛ از امپرسیونیسم تا هنر آبستره، گروه مترجمان، رَز

۱۶. مجموعه‌ای از نقاشی‌های ایران در سده‌ی ۱۲ و ۱۳ هجری، تهران، ۱۳۵۱

۱۷. مرزبان، پرویز و معروف، حبیب (۱۳۶۵) ؛ واژه‌نامه‌ی مصور هنرهای تجسمی، تهران، سروش

۱۸. یار شاطر، احسان (۱۳۶۵) ؛ نقاشی نوین، تهران، امیرکبیر

Stuart Gary Welch, (1976) Persian Painting, Newyork,

S.Maslenitsyna Aurora, (1976) Persian Art, Leninyrad,

Ocvirk, otto G.(1998) /Art fundamentals, McGraw - Hill,

Gillbert, Rita, (1998) living with Art, McGraw-Hill,

Pasmesani, loredana (2000), Art of twentieth Centvry 1900, 2000, Skira, Gio Marconi,

Erika langmuir, (2000) Dictionary of Art & Artists, yale university press,

Art and Artists in the 20th Century, Prestel, 2000